

## دستورالعمل‌های اخلاقی آیت... بهجت (ره)



سوال: برای دوری از ریا، چه باید کرد؟

جواب: با عقیده کامل، اکتار حوقله (یعنی زیاد بگویند):  
لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ).

سوال: جهت علاج غرور، چه راهی را توصیه می فرمایید؟

جواب: بسمه تعالی، اکتار حوقله (زیاد گفتن): لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ).

سوال: اینجانب به وسواس مبتلا هستم. لطفاً جهت برطرف شدن آن مرا راهنمایی فرمایید.

جواب: اکتار تهلیل (زیاد گفتن: لا إلهَ إِلَّا اللهُ)، علاج وسواس است.

به سوی محبوب، ص ۷۱ - ۷۰

ماهانامه میشکات جمعه اول هر ماه پس از نماز جماعت مغرب و عشاء توزیع می گردد.

- شهادت حضرت امام محمدتقی (علیه السلام) - ۳ مهر
- سالروز ازدواج حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) - ۴ مهر
- شهادت حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) - ۱۰ مهر
- عید سعید قربان - ۱۳ مهر
- ولادت حضرت امام علی النقی الهادی (علیه السلام) - ۱۸ مهر
- عید سعید غدیر خم - ۲۱ مهر

در مسجد چه خبر؟

### تهیه و تنظیم:

واحد فرهنگ کانون بقیة الله - مسجد صاحب الزمان (عج) رضی آباد پایین

SMS: ۵۰۰۲۹۱۷۵۰

www.shr-baghiyatolah.ir

عزیزانی که مایل به همکاری می باشند مطالب خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

E-Mail: Mahname.meshkat@yahoo.com

# مرکز بنیواد فضیله

شماره ۱۸  
مهر ۹۳



### از چیزها که بے فایده پرهیز

الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ

خداوند در آیات ۱ تا ۳ سوره مومنون می فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ \* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ \* وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾

یک معجزه است. آدم باید معجزه کند تا بتواند از لغو پرهیز کند. مُعْرِضُونَ یعنی از لغو روگردان است. ببینید من در طول روز چند نگاه لغو می کنم؟ چندتا حرف لغو می زنم؟ چندتا کار لغو می کنم؟ لغو یعنی چه؟ یعنی سودی ندارد. من یک معامله می کنم و داریم صحبت می کنیم. صحبت در حد لازم برای انجام یک معامله لغو نیست. این سخنی که دارم می گویم یا باید برای دنیایم سود داشته باشد یا برای آخرتم. غیر از این باشد لغو است. من می توانم تمام روزم را حرف بزوم و یک ذره اش لغو نباشد؟ می شود. ما ها نمی توانیم. اما می شود.

در هر صورت تا آدم لغو انجام می دهد، یعنی کار بی معنا و بیهوده، (هوده یعنی سود. یعنی کار بدون سود انجام می دهد) یعنی یک حرفی می زند، یک کاری می کند، یک نگاهی می کند، یک قدمی برمی دارد که نه برای دنیایش و نه برای آخرتش سودی ندارد، ثمره این کارهای بیهوده بلافاصله در نماز دیده می شود. من عرض کردم مراقب چشم تان باشید. یعنی مراقب برخورد چشم تان با نامحرم باشید. هرچه بیشتر از این مراقبت کنید نمازتان جمع تر می شود. اما این یک بخشی از بیهوده یا باهوده بودن نگاه ماست. اگر تمام نگاه های شما باهوده است، یعنی سود دارد و روی فکر و حساب انجام شده است، نمازتان جمع می شود. تمام نگاه هایتان فرض دیگری ندارد.

چه عرض می کردیم؟ ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ \* الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ خشوع در نماز شوخی نیست. ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ اگر آدم از لغو اعراض کند و رو بگرداند، نمازش با خشوع می شود. حالات نماز در اختیار شما نیست. به اعمالتان مربوط می شود. اگر اعمالتان اعمال درستی باشد، نمازتان باخشوع

می شود. برگرفته از جلسه سخنرانی آیت ا... جاودان مورخ ۹۳/۵/۲۹



### حکم مهر چرک دار

سوال: سجده بر مهر چرک دار چگونه است؟ پاسخ آیت ا... نوری، آیت ا... وحید و آیت ا... خامنه ای: باید بین پیشانی و چیزی که سجده بر آن صحیح است، چیزی حایل نشود. پس اگر مهر به قدری چرک باشد که پیشانی به خود مهر نرسد، سجده باطل است. اما اگر رنگ مهر تغییر کرده است، اشکال ندارد.

### روش خوابیدن در اسلام

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «کسی را که می بینید به رو خوابیده (دَکَمَر خوابیده) او را بیدار کنید.» (به او تذکر دهید که درست بخوابد).

حضرت علی (علیه السلام) هم می فرمایند: «خوابیدن بر چهار قسم است: پیامبران بر پشت دراز کشیده و می خوابند، در حالی که چشمهایشان برای دریافت وحی پروردگار نمی خوابد. مومن رو به قبله و بر پهلو راست می خوابد. پادشاهان و فرزندانشان برای گوارایی غذا، بر پهلو چپ می خوابند و ابلیس، برادرانش، دیوانگان و آسیب دیدگان عقلی، بر روی شکمشان می خوابند.»

امروزه دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که زمانی که شخص روی یک پهلو می خوابد، به دلیل وارد آمدن فشار به یک قسمت از بدن، گردش خون در لایه های سطحی پوست مختل می گردد. در نتیجه، اکسیژن در این بافت ها از بین رفته و گاز کربنیک زیاد می شود. حرکت در خواب (غلتیدن) برای رفع این مسمویت از بدن است. این امر برای مسلمانان تازگی ندارد؛ زیرا در قرآن کریم آمده است که خداوند اصحاب کهف را از این دنده به آن دنده و از راست به چپ می گرداند:

﴿وَمَا آتَانَا بِهِ دَسْتِ رَاسْتٍ وَدَسْتِ چَپٍ مِی گردانیدیم﴾  
سوره مبارکه کهف، آیه ۷  
بعد از هزار و چهارصد سال که دین مقدس اسلام، رو به قبله خوابیدن را مستحب دانسته است، یکی از دانشمندان می گوید: «اگر می خواهید آهن بدن شما منظم باشد و در نتیجه سالم باشید و به عوارض قلبی دچار نشوید، به سوی قبله، یعنی در جریان مغناطیس زمین بخوابید؛ که در غیر این صورت، آهن در دیواره رگ ها رسوب کرده و آهن بدن کم می شود و گرفتگی رگ ها و عوارض قلبی پدید می آید. همچنین به کبد که قسمت کننده آهن بدن است، لطمه شدید وارد می آید.»

اعجاز خوراکی ها، دکتر جزایری



## بخشی از وصیت نامه شهید علم الهدی



... امشب پاس دارم. ساعت ۱:۳۹ چه شب باشکوهی! من به یاد انس علی ابن ابیطالب با تاریکی شب و تنهایی او می‌افتم. او با این آسمان پرستاره سخن می‌گفت. سر در چاه نخلستان می‌کرد و می‌گریست. در همین تاریکی شب علی (علیه السلام) برمی‌خواست و به نخلستان می‌رفت.

فاطمه (علیها السلام) وضو می‌گرفت، پیامبر به سجده میرفت و حسن و حسین به عبادت می‌پرداختند. این معنا را می‌دهد که خاک بوده ایم، حرکت دوم این معنا را دارد که از خاک برخاسته‌ایم، متولد شده ایم. حرکت سوم رفتن دوباره به خاک به این معناست که دوباره به خاک برمی‌گردیم؛ مرگ. و حرکت چهارم به این معناست که دوباره زنده می‌شویم. حیات قیامت؛ اما در این سنگر همیشه در کنار این خاکیم و خاک پناهگاهمان است. درون سنگر با خود سخن می‌گویم. راستی چه خوب است از این فرصت استفاده کنم و با قرآن آشنا شوم. آیات خدا را بخوانم و بعد حفظ کنم و سپس زمزمه کنم و بعد شعار زندگی کنم. باشد تا این دل پر هیجان و تپش را آرامش دهد. و بعد با این برای خود توشه سازم و توشه را راهی سفرم گردانم و در انتظار شهادت بمانم و بمانم. آیات جهاد را، شهادت، تقوی، ایمان، ایثار، اخلاص، عمل صالح... همه را پیدا کنم و سنگر کلاس درس باشد و میعادگاه ملاقتم با خدا شود. سنگرم محرابم گردد. سنگرم خانه امیدم شود و قبله دومم گردد. از فردا حتماً بیشتر قرآن خواهم خواند. آری... تنهایی موهبتی است الهی و در تنهایی می‌توان به خدا رسید. پایگاه اطلاع رسانی حوزه

## باید با نهج البلاغه آشنا بشین...

برای تهیه تدارکات و اسلحه ی نیروها رفته بود اهواز ، اسلحه و تدارکات رو که تهیه کرد افتاد دنبال کتاب فروشی ! کتابفروشی ها تعطیل بود، اما با تلاش زیاد نهج البلاغه تهیه کرد؛ همراه اسلحه به تک تک بچه ها یک نهج البلاغه می داد و می گفت: همراه

آموزش نظامی باید با نهج البلاغه آشنا بشید ...

خاطره ای از سردار شهید سید حسین علم الهدی

## دستورک از جانب پروردگار

﴿سَأَلُ سَائِلٌ بَعْدَآبٍ وَّآقِعٍ﴾ سوره معارج، آیه ۱

جمله پیامبر زبان به زبان می‌گشت. آنهایی که در مدینه بودند، شنیدند و آنهایی که همسر پیامبر بودند، خبر دادند؛ «من کنت مولاة فهذا علی مولاة».

دیگر کسی نمانده بود که این خبر را نشنیده باشد.

حارث بن نعمان، مثل خیلی ها در دلش آشوب بود. زیر لب می‌گفت این دیگر چه دستوری است؟ چگونه باید زیر بار این یکی رفت؟ حارث سوار بر شترش به پیامبر نزدیک می‌شد، درحالی که به خود امید می‌داد شاید دستور جانشینی پسر عموی پیامبر از طرف خود فرستاده خدا باشد، نه دستوری مثل نماز و روزه و ترک شراب.

اصحاب جمع بودند و مثل همیشه پیامبر در حلقه ای از زمزمه و سؤال ها بود. حارث شترش را خواباند و به طرف پیامبر رفت و گفت: ای محمد! به ما دستور دادی که شهادت بدهیم خدایی جز خدای یگانه نیست و اینکه تو پیامبر اویی و ما از تو پذیرفتیم. پذیرفتیم که نماز بخوانیم و روزه بگیریم. حجاب را پذیرفتیم و شراب را ترک کردیم. از زنا دوری جستیم و هرچه خواستی انجام دادیم، ولی تو به این کارها راضی نشدی. حالا پسر عمویت را سرور ما قرار داده ای و می‌گویی: «من کنت مولاة فهذا علی مولاة». ای محمد! بگو این سخن از جانب توست یا پروردگار؟

پیامبر با متانت خاصی فرمود: «به خداوندی که جز او نیست، دستور خداست.» حارث سرخ شد، از پیامبر روی برگرداند و به طرف شتر خود رفت، درحالی که می‌گفت: اگر این حقیقت از نزد توست، باران سنگ بر ما بباران یا به بلای دردناکی گرفتارمان کن! پس به شدت این کلمات را سر داد ، ولی هنوز به شتر خود نرسیده بود که صدایش قطع شد.

سنگی به پیشانی اش خورد و از پشت سرش بیرون آمد و کنار شترش بر زمین افتاد. از آن پس همه یقین پیدا کردند جمله ای که ورد زبان ها شده است، دستوری از جانب پروردگار است، نه فرستاده اش.

محمدعلی کعبی ، پایگاه اطلاع رسانی حوزه

## خداوند نانواک آدم هاست

او پیامبری بود که کتاب نداشت. معجزه ای هم. اسباب رسالت او تنها خوشه ای گندم بود که خدا به او داده بود.

خدا گفته بود: دشمنان اند که معجزه می خواهند، معجزه ای که مبهوتشان کند. دوستان اما تنها با اشاره ای ایمان می آورند. و این خوشه های گندم برای اشاره کافی است.

پیامبر، کوی به کوی و شهر به شهر رفت و گفت: ای مردم، به این خوشه گندم نگاه کنید. قصه این گندم، قصه شماست که چیده می شود و به آسیاب می رود تا ساییده شود و پس از آن خمیری خواهد شد در دست های نانوا؛ و می رود تا داغی تنور را تجربه کند، می رود تا نان شود، مائده مقدس سفره ها.

آی مردم، شما نیز همان خوشه های گندمید که در مزرعه خدا بالیده اید. نترسید از این که چیده می شوید، خود را به آسیابان روزگار بسپارید تا در آسیاب دنیا شما را بسایند، تا درشتی هایتان به نرمی بدل شود و سختی های تان به آسانی.

خداوند نانواک آدم هاست. خمیرتان را به او بدهید تا در دست هایش ورزیده شوید، خدا بر روح تان چاشنی درد و نمک رنج خواهد زد و شما را در دستان خود خواهد فشرد؛ طاقت بیاورید، طاقت بیاورید تا پرورده شوید. و کیست که نداند خداوند او را در تنور خود خواهد نشاند؛ این سنت زندگی است. اما زیباتر آن است که با پای خود به تنورش در آید و بسوزید، نه از سر بیچارگی و اضطرار، که از سر شوق و اختیار.

پیامبر گفت: صبوری کنید تا نان شوید؛ نانی که زینده سفره های ملکوت باشد. صبوری کنید تا نان شوید؛ نانی که به مذاق خدا خوش آید.

هزاران سال است که نان در سفره آدمی است تا به یادش آورد قصه خوشه های گندم و آسیاب و تنور را... قصه نان پختن، نان قسمت کردن، نان شدن را...

## آیا پیش از حضرت مهدی (عج) چنین اتفاقاتی مانند غیبت و پنهان شدن از دیدگان مردم رخ داده است؟

موضوع غیبت منحصر به آن حضرت نیست، بلکه گروهی از پیامبران علیهم السلام که رهبر و راهنمای بشر بودند، غائب می شدند و در پس پرده غیبت برای مدتی به سر می بردند که عبارتند از: حضرت ادریس، ابراهیم، یوسف، یونس، خضر، عزیز، الیاس، صالح، دانیال، موسی، عیسی، محمد صلی الله علیه و آله، اصحاب کهف و...  
خورشید پنهان ص ۲۴۹

و شیخ صدوق روایاتی در زمینه غیبت انبیای سلف مانند: ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف و موسی علیهم السلام آورده و برای تمام آنان نوعی غیبت اثبات کرده است.

اکمال الدین ص ۱۲۷-۱۴۵

## علت به پا خواستن و قیام، هنگام شنیدن نام «قائم» چیست؟

این عمل شیعیان ریشه روایی دارد و اظهار ادب، تعظیم و احترام است، گرچه وجوبش معلوم نیست. حتی در عصر امام صادق علیه السلام این کار معمول بوده است، چنانکه از آن حضرت سؤال کردند: چرا هنگام شنیدن نام امام زمان (عج) -قائم- از جای خود برمی خیزیم، حضرت فرمودند:

صاحب الامر غیبتی بسیار طولانی دارد، از شدت محبتی که به دوستان خود دارد، هرکس وی را به لقب قائم یاد کند، آن جناب هم نظر لطفی به او خواهد کرد چون در این حال مورد توجه امام واقع می شود، سزاوار است از باب احترام به پا خیزد و تعجیل فرجش را از خدا بخواهد.  
دادگستر جهان ص ۱۲۵ -منتخب الاثر ص ۵۰۵ - الزام الناصب ج ۱ ص ۲۷۱

و همچنین در روایات دیگری آمده است که: روزی در مجلس امام صادق علیه السلام نام مبارک حضرت مهدی (عج) برده شد و آن حضرت به جهت تعظیم و احترام، از جای برخاست.

نجم الثاقب ص ۴۴۴

برگرفته از کتاب گلبرگ های مهدوی، ص ۶۵ و ۹۶

